

دشواری‌های برابریابی اصطلاحات آموزش عالی از عربی به فارسی

معصومه مرادی *

سیدمحمدرضا ابن‌الرسول **

چکیده

هدف مقاله حاضر، بررسی دشواری‌های برابریابی اصطلاحات آموزش عالی از عربی به فارسی است. بدین منظور به بررسی میدانی اصطلاحات آموزش عالی در زبان عربی و مقایسه آنها با برابر نهاده‌های فارسی‌شان با نگاهی نقادانه به دشواری‌های برابریابی این اصطلاحات پرداخته شده است. در این مقاله، افزون بر دسته‌بندی اصطلاحات، رابطه معنایی آنها با معادل فارسی، آسیب‌شناسی وضع اصطلاح در حوزه آموزش عالی با توجه به اختلاف فرهنگ‌ها و نظام‌های آموزش عالی مورد بحث و بررسی قرار گرفته است.

واژگان کلیدی: اصطلاحات، آموزش عالی، زبان عربی، زبان فارسی، برابریابی

* کارشناس ارشد رشته مترجمی عربی از دانشگاه اصفهان

** استادیار گروه زبان و ادبیات عربی دانشگاه اصفهان (مسئول مکاتبات: ibnorrasool@yahoo.com)

مقدمه

برابریابی واژگان از نخستین گام‌های ترجمه متن است. در این میان برابریابی اصطلاحات و تدوین فرهنگ تخصصی حوزه‌های پر کاربرد علوم، از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است چه، اولاً باید آن علم یا فن برای گویش‌وران زبان مقصد کاملاً شناخته و مأنوس باشد؛ ثانیاً اهل فن یا دانش‌ورانی از اهل زبان مقصد با زبان مادری خود آن را فراگرفته باشند؛ ثالثاً باید اصطلاحات آن دانش اگر وام‌واژه نیست، دست کم برای فراگیران آن نامأنوس جلوه نکند.

در این میان، حوزه آموزش عالی ویژگی‌های خود را دارد. نخست این که اکثر ملت‌های متمدن و با فرهنگ مدعی‌اند در این حوزه پیشینه‌ای درخشان دارند و برای هر مقوله‌ای در این حوزه، اصطلاحاتی نه اندک در اختیار دارند و بدین روی از اصطلاحات دخیل استقبال چندانی نمی‌کنند. دیگر آن که اختلاف نظام‌های آموزشی این ملت‌ها خود باعث اختلاف در اصطلاحات به کار رفته در این حوزه‌ها می‌گردد و کار برابریابی را دشوار می‌کند.

در این راستا، برابریابی اصطلاحات آموزش عالی عربی نیز که به دلیل روابط دوسویه و گسترده علمی و پژوهشی مورد نیاز دست‌اندرکاران آموزش عالی اعم از مسئولان وزارت علوم، تحقیقات و فناوری، استادان، دانشجویان و پژوهشگران مؤسسات علمی ایران و کشورهای عربی است، مشکلات پیچیده‌تری دارد که در این مقاله به برخی از مهم‌ترین آنها با ارائه مثال‌های مستند اشاره شده است.

این مقاله، در واقع حاصل یکی از نتایج پژوهش گسترده‌تری است که در آن به منظور تدوین فرهنگ دو زبانه اصطلاحات آموزش عالی به بررسی بیش از هفتصد (700) واژه تخصصی و کاربردی در حوزه آموزش عالی کشورهای عربی و برابریابی فارسی آنها پرداخته شده است. به این منظور ابتدا اصطلاحات آموزش عالی کشورهای عربی از جمله عربستان، سوریه، لبنان، اردن، کویت، قطر و... از کتاب‌های راهنمای دانشگاه‌های معتبر و پایگاه‌های اینترنتی دانشگاه‌ها گردآوری شده و سپس با توجه به اصطلاحات رایج نظام آموزش عالی ایران در منابع معتبر که بیشتر آیین‌نامه، راهنمای دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی و نیز سایت دانشگاه‌هاست، برابریابی گردیده است.

بر اساس جست و جوهای کتابخانه‌ای نگارندگان این مقاله، ظاهراً تاکنون مقاله یا فرهنگ‌نامه‌ای که مستقلاً به اصطلاحات آموزش عالی عربی - فارسی پرداخته باشد، نگاشته نشده است. تنها به صورت بسیار پراکنده و ناقص در برخی از فرهنگ‌های دوزبانه معاصر از جمله فرهنگ معاصر عربی - فارسی تألیف دکتر آذرتاش آذرنوش و فرهنگ اصطلاحات روز، تألیف دکتر محمد غفرانی و دکتر مرتضی آیت‌الله‌زاده شیرازی، شمار محدودی از این اصطلاحات آمده است. علاوه بر این در این زمینه، مقاله و یا حتی واژه‌نامه عربی - انگلیسی و یا انگلیسی - عربی نیز که به ویژه به این واژگان پرداخته باشد، دسترسی پیدا نکردیم.

این پژوهش در پی پاسخگویی به این پرسش‌ها است: 1- آیا اصطلاحات آموزش عالی در تمام کشورهای عربی یکسان است؟ 2- آیا برای همه اصطلاحات آموزش عالی کشورهای عربی معادل فارسی وجود دارد؟ 3- تفاوت‌های احتمالی بین نظام‌های آموزشی ایران و کشورهای عربی تا چه میزان در معادل‌یابی اصطلاحات و ترجمه آنها تأثیرگذار است؟

2. دشواری‌های ناشی از ناهمگونی نظام‌های آموزشی

2-1. تفاوت نظام‌های آموزشی کشورهای عربی با نظام آموزشی ایران

تفاوت نظام‌های آموزشی کشورهای عربی با نظام آموزشی ایران یکی از مهم‌ترین علل ایجاد دشواری‌ها در برابریابی اصطلاحات است. وجود اصطلاحاتی که در زبان مبدأ و مقصد مصداق ندارد، ناهمسانی معنایی اصطلاحات به ظاهر معادل و اختلاف ناشی از تفاوت آیین‌نامه‌های آموزشی از این ناهمگونی پدید می‌آید.

2-1-1. وجود اصطلاحاتی که در زبان مبدأ یا مقصد مصداق ندارد.

به عنوان مثال اصطلاح ترکیبی «دبلوم الدراسات العليا» و یا «الدبلوم العالی» را می‌توان نام برد.

این اصطلاح از این جهت که در ایران جزء مراحل تحصیلی آموزش عالی نیست، با اصطلاح «دیپلم» تفاوت دارد. اصطلاح دیپلم در ایران به مدرکی گفته می‌شود که دانش‌آموز پس از اتمام تحصیلات دوره متوسطه أخذ می‌کند و معادل آن در کشورهای عربی «الشهادة الثانوية» است. اما «دبلوم الدراسات العليا» که در نظام آموزش عالی ایران مصداق ندارد، در کشورهای عربی مرحله‌ای از آموزش عالی و بالاتر از کارشناسی است و دانشجو برای تحصیل و گرفتن مدرک دیپلم عالی باید مدرک کارشناسی یا معادل آن را داشته باشد. همچنین اگر دانشجوی کارشناسی ارشد، موفق به دفاع از رساله خود نگردد، مدرک «الدبلوم العالی» به او داده می‌شود که ظاهراً همانند مدرک معادل کارشناسی ارشد در ایران است.

* يُقبَل الطالبُ في الدراسة في برنامج الدبلوم إذا كان حاصلًا على درجة البكالوريوس أو ما يعادلها (الروابدة وآخرون، 1988م: 46).

* دانشجوی در صورت برخورداری از مدرک کارشناسی و یا معادل آن، در دوره دیپلم پذیرفته می‌شود.

** يُفصل الطالب من برنامج الماجستير إذا رسب في مناقشة الرسالة و يُمنح في هذه الحالة دبلوم الدراسات العليا (عوض وآخرون، 2001م: 52).

** چنانچه دانشجوی در دفاع از پایان‌نامه موفق نشود، از دوره کارشناسی ارشد منفک می‌گردد و در این حالت تنها دیپلم آموزش عالی به او اعطا می‌گردد.

از این سو، اصطلاح «شورای عالی انقلاب فرهنگی» هم در کشورهای عربی مصداق ندارد و قاعدتاً چنین اصطلاحاتی در زبان عربی، معادلی نخواهد داشت و بدین روی در ترجمه چنین اصطلاحاتی ناگزیریم دو روش «ترجمه لفظ به لفظ اصطلاح» و «توضیح و تعریف آن» را با هم بکار گیریم. راه نخست - ترجمه تحت‌اللفظ اصطلاح - به تنهایی عملی بی‌فایده به نظر می‌رسد، چرا که ترجمه اصطلاحی که در فرهنگ اهل زبان مقصد مصداق ندارد، ناکارا و مبهم است؛ مثلاً ترجمه «شورای عالی انقلاب فرهنگی» به «المجلس الأعلى للثورة الثقافية» و یا ترجمه «دبلوم الدراسات العليا» به «دیپلم عالی» برای مخاطبان، ناآشنا و مبهم است. اما ضمیمه کردن راه دوم به نظر می‌رسد مشکل چنین اصطلاحاتی را حل کند. بدین رو پیشنهاد می‌شود ترجمه چنین اصطلاحاتی همراه با تعریفی جامع و مانع آورده شود.

2-1-2. ناهمسانی معنایی اصطلاحات به ظاهر معادل

در نتیجه اختلاف در نظام‌های آموزشی، برابری دقیق بسیاری از اصطلاحات با دشواری روبرو می‌گردد؛ به عنوان مثال اصطلاحاتی مانند «متطلب الجامعة»، «متطلب الكلية»، «متطلب التخصص» یا «متطلب القسم» را می‌توان ذکر کرد. مطابق آیین‌نامه آموزشی ایران، دانشجوی موظف است دروس عمومی، اختصاصی و اختیاری معینی را با موفقیت بگذرانند. دروس عمومی، برای همه دانشجویان دانشگاه مشترک است ولی دروس تخصصی ویژه هر رشته است. اما در برخی از کشورهای عربی دانشگاه، دانشکده و گروه هر یک به طور مستقل دروسی را ارائه می‌دهند که بخشی

اجباری و بخشی دیگر اختیاری است. بنابراین «متطلب الجامعة» و «متطلب الكلية» معادل دقیق دروس عمومی نیست هرچند «متطلب التخصص / القسم» همان دروس تخصصی است. به دیگر سخن این تقسیم‌بندی دروس عمومی در دانشگاه‌های ایران وجود ندارد. آن چه این ناهمسانی معنایی را دو چندان می‌نماید، تفاوت تعداد واحدهای عمومی و تخصصی آنهاست که در برخی کشورهای عربی تعداد واحدهای عمومی بیشتر از دو برابر آن در ایران است:

- مدرس الطالب ما مجموعهُ «130» ساعة معتمدة كحد أدنى للحصول على درجة البكالوريوس في اللغة العربية وآدابها وفق تعليمات منح درجة البكالوريوس في الجامعة ويكون الإطار العام لتوزيع الساعات المعتمدة على النحو التالي:

| الرقم | نوع المادة | الساعات المعتمدة |
|-------|----------------------|------------------|
| 1 | متطلب جامعة إجباری | 19 |
| 2 | متطلب جامعة اختیاری | 12 |
| 3 | متطلب الكلية إجباری | 9 |
| 4 | متطلب الكلية اختیاری | 6 |
| 5 | متطلب تخصص إجباری | 69 |
| 6 | متطلب تخصص اختیاری | 15 |
| | جمع کل | 130 |

(الروابدة وآخرون، 1988م: 116)

[دانشجو برای دستیابی به مدرک کارشناسی زبان و ادبیات عربی، حداقل «130» واحد درسی مطابق با دستورالعمل اعطای مدرک کارشناسی در دانشگاه باید بگذرانند. چارچوب کلی توزیع واحدها به صورت زیر است]:

| شماره درس | نوع درس | تعداد واحدها |
|-----------|---------------------------|--------------|
| 1 | درس عمومی الزامی دانشگاه | 19 |
| 2 | درس عمومی اختیاری دانشگاه | 12 |
| 3 | درس عمومی الزامی دانشکده | 9 |
| 4 | درس عمومی اختیاری دانشکده | 6 |
| 5 | درس تخصصی اجباری | 69 |
| 6 | درس تخصصی اختیاری | 15 |
| | جمع کل | 130 |

اصطلاح «اعمال الفصل» نیز که معادل تقریبی آن «فعالیت‌های کلاسی» است، یکی دیگر از این نوع اصطلاحات است. معادل دقیق این اصطلاح می‌تواند «نمره مستمر» باشد که البته در نظام آموزش عالی ایران کاربرد ندارد و ویژه مقاطع تحصیلی پیش از دانشگاه است:

* المادة 20: تتكون علامة الطالب النهائية في المساق الواحد من: 1- علامة في أعمال الفصل، وتشمل اختباراً واحداً على الأقل و تقارير أو بحوثاً أو عرض الموضوع أو ما شابه ذلك من نشاط، ويخصص لأعمال الفصل 50% من العلامة. 2- علامة في امتحان نهائي يخصص له 50% من العلامة النهائية (عوض وآخرون، 2001م: 52).

* ماده 20: نمره نهایی دانشجوی در یک درس متشکل است از: 1. نمره «اعمال الفصل» که شامل نمره حداقل یک امتحان و گزارش‌ها (ی علمی)، مقالات یا ارائه مطلب یا فعالیت‌های مشابه است و 50% از نمره نهایی را به خود اختصاص می‌دهد. 2. نمره امتحان نهایی که 50% از نمره نهایی را در بر می‌گیرد.

ارزیابی پیشرفت دانشجو در هر درس بر اساس میزان حضور و فعالیت در کلاس درس و انجام تکالیف درسی و نتایج امتحانات بین نیم سال و پایان نیم سال صورت می‌گیرد و استاد هر درس مرجع ارزیابی دانشجو در آن درس است. بنابراین روشن است که «فعالیت‌های کلاسی» جزئی از «اعمال الفصل» است و نه معادل آن. به بیان دیگر نسبت منطقی «اعمال الفصل» با «فعالیت‌های کلاسی» عموم و خصوص مطلق - و نه تساوی - است. در نتیجه اغلب اصطلاحات آموزشی و ارزیابی ایران و کشورهای عربی هم‌پوشی معنایی ندارد و اصطلاحات به ظاهر معادل، معانی ناهمسان افاده می‌کند.

2-2. تفاوت نظام‌های آموزشی کشورهای مختلف عربی

از جمله این تفاوت‌ها می‌توان به تفاوت مراتب دانشگاهی یا تفاوت رتبه‌بندی ارتقای اعضای هیئت علمی دانشگاه لبنان با دانشگاه‌های عربی دیگر اشاره کرد. مدرسان در دانشگاه لبنان به سه رتبه «استاذ»، «استاذ مساعد»، و «معيد» رده‌بندی می‌شوند ولی در دیگر کشورهای عربی به «استاذ»، «استاذ مشارک»، «استاذ مساعد» و «مدرس» تقسیم شده‌اند (الروابدة وآخرون، 1988: 121).

* الرتب العلمية فهي تتراوح وفقاً لقانون الجامعة اللبنانية بين أستاذ، وأستاذ مساعد ومعيد (الجامعة اللبنانية، 2000م: 6).

* مراتب علمی مطابق با قانون دانشگاه لبنان عبارت است از: استاد، استادیار و مربی.

و یا - چنان که گذشت - دروس در برخی از دانشگاه‌ها به «متطلب الجامعة»، «متطلب الكلية» و «متطلب القسم»، و در برخی دیگر مانند اردن فقط به «متطلب الجامعة» و «متطلب التخصص» تقسیم می‌شود که این اخیر با نظام آموزش عالی ایران هماهنگ است.

3. اصطلاحات مترادف

وجود اصطلاحات مترادف از دو عامل نشأت می‌گیرد؛ یکی توجه هر کشور عربی به جنبه یا جنبه‌هایی از تفاوت‌های معنایی مدلول اصطلاحات، و دیگر گرایش هر کشور عربی به استقلال از همتایان خود و ادعای هویت مشخص که این به حوزه وضع اصطلاحات و معادل‌ها نیز کشیده شده است.

اگر چه برخی مترادف را موجب غنای زبان می‌دانند و معتقدند که وجود چند لفظ برای یک معنی، معانی را بهتر تفهیم می‌کند، اما بسیاری بر این باورند که هیچ لفظی با لفظ دیگر هم معنی نیست حتی اگر با هم مترادف باشند و بی‌شک اختلاف معنایی بسیار ظریف و دقیقی دارند که بیشتر اهل فن - و نه همگان - از آن آگاه‌اند.

از آن جا که این تفاوت‌های معنایی در هنگام برابریابی اصطلاحات، مورد نظر بوده و هر کشور نیز به جنبه یا جنبه‌هایی از این اختلافات توجه داشته است، مدلول هر یک از این برابر انگاشته‌ها دقیقاً با هم یکسان نیست. در نتیجه برای معجم‌نگار، شرح و بیان تفاوت‌ها و ظرافت‌های معنایی این اصطلاحات و ذکر حوزه جغرافیایی کاربرد هر یک ضرورت می‌یابد هر چند ظاهراً در هیچ معجم تخصصی به این موارد پرداخته نشده است.

برخی از کشورهای عربی مثل مصر و سوریه دارای فرهنگستان زبان و ادب عربی‌اند و طبیعی است که مستقل از کشورهای دیگر عمل کرده و جداگانه به واژه‌گزینی در برابر اصطلاحات آموزش عالی بپردازند. از سویی دیگر بسیاری از کشورهای عربی دارای نظام‌های آموزش عالی، مدتی مستعمره کشورهای اروپایی بوده‌اند و بدین‌سان اثرپذیری نظام‌های آموزشی آنها از کشور استعمارگر انکارناپذیر است. نتیجه این است که برای یک مضمون، گاه تا چند معادل به کار رفته است؛ مانند اصطلاحات پرکاربرد:

• «درس»:

| | |
|----------|-----------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------|
| المادة | تكون علامة النجاح في كل مادة من مواد برنامج الماجستير «ج+» http://www.uop.edu.jo/Research/documents/MasterInstructions.doc . نمره قبولی در هر یک از دروس دوره تحصیلی کارشناسی ارشد «ج+» است. |
| المساق | لا يجوز للطالب دراسة مساق قبل متطلبه السابق (www.paluniv.edu.ps/). دانشجو نمی‌تواند در درسی پیش از گذراندن درس پیش‌نیاز آن ثبت نام کند. |
| المقرّر | إذا رسب الطالب في مقرّر أو أكثر يعيد دراسة ما رسب فيه (http://www.ckfu.org/vb/t62407.html). وقتی دانشجو در یک درس یا بیشتر مردود می‌شود، آنها را دو باره می‌گذراند. |
| المحور | إذا أخفق الطالب في محور من محاور البرنامج فعليه إعادة الإمتحان (الروابدة وآخرون، 1988م: 166). اگر دانشجو در یکی از دروس دوره مردود شود، باید دوباره امتحان دهد. |
| الساعة | يجوز للطالب أن يطلب من اللجنة احتساب ساعات أمتها بنجاح (الروابدة وآخرون، 1988م: 55). دانشجو می‌تواند از آن کمیته، تقاضای معادل‌سازی دروسی را بکند که با موفقیت گذرانده است. |
| المتطلب | لا يجوز للطالب أن يأخذ مادة ما ومتطلبها السابق في الفصل نفسه إلا إذا كان قد درس المتطلب السابق ولم ينجح فيه (http://www.rwtc.edu/arabic/esf/esfacadrules.htm). دانشجو تنها در صورت مردود شدن در درس پیش‌نیاز، مجاز به گذراندن هم‌زمان درس و پیش‌نیاز آن است. |
| المحاضرة | تشرط الجامعة المواظبة لجميع الطلبة في المحاضرات (خالد، 1421هـ: 87). (بر اساس قوانین دانشگاه) حضور دانشجویان در جلسات درس الزامی است. |
| الدرس | الوحدة النظرية هي المحاضرة النظرية الأسبوعية التي لا تقل مدتها عن خمسين دقيقة أو الدرس العملي أو الميداني الذي لا تقل مدته عن مائة دقيقة (http://www.ckfu.org/vb/t62407.html). هر واحد درسی عبارت است از: درس نظری هفتگی به مدت حداقل 50 دقیقه، یا درس عملی و یا میدانی که کمتر از 100 دقیقه نباشد. |

• «امتحان مجدد»:

| | |
|----------------------------|--------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------|
| <p>امتحان مُعَاد</p> | <p>إذا أخفق الطالب في الامتحان المعاد فيعيد راسباً (الروابدة وآخرون، 1988م: 66). اگر دانشجو در امتحان مجدد نمره نیاورد، مردود شده و درس را دوباره می‌گذراند.</p> |
| <p>امتحان مُعَوَّض</p> | <p>على كل من يتغيب عن الاختبار بعذر مقبول أن يتقدم بالعذر إلى مدرس المادة خلال ثلاثة أيام من تاريخ زوال العذر، ويتوجب على مدرس المادة إجراء اختبار معوض للطالب (http://www.admicollege.com/systems.html). دانشجویانی که به عذر موجه در امتحان شرکت نکرده‌اند، ملزمند ظرف سه روز از زمان برطرف شدن عذر خود، مدارک توجیهی را به استاد درس ارائه دهند و استاد درس موظف است از دانشجو امتحان مجدد بگیرد.</p> |
| <p>امتحان معوّض</p> | <p>كل من يتغيب عن امتحان نهائي مععلن عنه في مادة ما بعذر يقبله عميد الكلية التي تدرس تلك المادة، فان عميد الكلية يبلغ قراره بقبول العذر الى مدرس المادة لإجراء امتحان معوض للطالب (www.ju.edu.jo). دانشجویی که در امتحان نهایی اعلام شده درسی غیبت نماید، در صورتی که غیبت وی از نظر رئیس دانشکده‌ای که درس در آنجا ارائه شده، موجه تشخیص داده شود، حکم تأیید غیبت موجه دانشجو را برای گرفتن امتحان مجدد به استاد درس ابلاغ می‌کند.</p> |
| <p>امتحان غیرمکتمل</p> | <p>إذا لم يتقدم الطالب لامتحان غير المكتمل في الفترة المسموح بها يعطى صفرأ في الامتحان النهائي الذي تغيب عنه (http://www.alaqsa.edu.ps/ar/default.asp?pageid=893). اگر دانشجو ظرف مدت مجاز، در امتحان مجدد شرکت نکند، نمره صفر برای درسی که در امتحان نهایی آن غایب بوده، منظور خواهد شد.</p> |
| <p>امتحان اکتمال</p> | <p>في حالة قبول مجلس القسم العذر الذي تقدم به الطالب يجرى امتحان اكمال للطالب (الروابدة وآخرون، 1988م: 61). در صورتی که شورای گروه، عذر دانشجو را موجه تشخیص دهد، از وی امتحان مجدد گرفته می‌شود.</p> |
| <p>امتحان بدیل</p> | <p>إذا لم يتمكن الطالب من حضور الاختبار النهائي في أي من مواد الفصل لعذر، جاز لمجلس الكلية قبول عذره والسماح بإعطائه اختباراً بديلاً (http://faculty.ksu.edu.sa/67974/DocLib2/20%النسخة%العربي.pdf) اگر دانشجو به عذری نتواند در امتحان پایانی هر یک از دروس نیم‌سال حاضر شود، شورای دانشکده می‌تواند عذرش را موجه دانسته، به وی اجازه دهد در امتحان مجدد شرکت نماید.</p> |

• «خوابگاه دانشجویی»:

| | |
|----------------|--------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------|
| السكن | يبدأ تقديم طلبات السكن للطلاب في الجامعة اعتباراً من 4/20 ولغاية 5/31 من كل عام (http://www.aleppostudents.com/index.php?page=main1_cat&op=view&id=1) ارائه تقاضای خوابگاه دانشجویان همه ساله از تاریخ 4/20 آغاز، و در تاریخ 5/31 خاتمه می‌یابد |
| السكن الداخلي | يتسع السكن الداخلي الخاص بطلبة الأكاديمية لأكثر من 300 طالباً وطالبة خوابگاه ویژه دانشجویان دانشگاه، ظرفیت اسکان بیش از 300 دانشجوی دختر و پسر را دارد. |
| المنزل الداخلي | إن مخالفة الطالب المقيم في المنازل الداخلية لتعليمات السكن الداخلي تعرضه لواقعة أو أكثر من العقوبات (الروابدة وآخرون، 1988م: 75). تخلف دانشجوی خوابگاهی از مقررات خوابگاه، مجازات یا مجازات‌هایی برای او در پی خواهد داشت. |
| منازل الطلبة | تعليمات السكن الداخلي للطلبة في الجامعة (صادر بمقتضى المادة «14» من نظام منازل الطلبة المعمول به في جامعة آل البيت) (خالد، 1421هـ: 108). مقررات خوابگاه دانشجویان دانشگاه (صادر شده بر اساس ماده «14» آیین‌نامه در حال اجرای خوابگاه‌های دانشجویی دانشگاه آل‌البيت). |

• «نمره»:

| | |
|---------|------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------|
| العلامة | يعتبر الطالب ناجحاً في الامتحان الخطي إذا حصل على معدل النجاح 50% من مجموع علامات هذا الامتحان (الجامعة اللبنانية، 2000م، 215). دانشجو در صورتی در امتحان کتبی قبول می‌شود که میانگین مجموع نمره‌های وی در این امتحان 50% (10) باشد. |
| الدرجة | تتكون علامة المقررات التي لها جزآن نظري و عملي من مجموع درجات الامتحان الكتابي والامتحان العملي (دليل جامعة حلب، 2000 - 2002م: 270). نمره دروس نظری - عملی شامل مجموع نمره‌های امتحان کتبی و امتحان عملی است. |
| النقطة | المعدل التراكمي هو حاصل قسمة مجموع النقاط التي حصل عليها الطالب في جميع المقررات التي معدل كل عبارة است من حاصل تقسيم مجموع نمره‌های دروسی که دانشجو از زمان ورود به دانشگاه در همه مواد درسی کسب کرده بر تعداد کل واحدها. (http://www.ckfu.org/vb/t62407.htm) درسها منذ التحاقه بالجامعة على مجموع الوحدات |
| التقدير | التقدير غير المكتمل هو تقدير يرصد موقتاً لكل مقرر يتعذر على الطالب استكمال متطلباته في الموعد (http://www.ckfu.org/vb/t62407.html). نمره ناتمام نمره‌ای است که به صورت موقت برای دروسی که دانشجو تا زمان مشخص از عهده انجام تکالیف آن بر نیاید، منظور می‌شود. |
| النتيجة | إذا غاب الطالب أكثر من ثمن مجموع الساعات المقررة للمادة، يحرم من التقدم للامتحانات وتعتبر نتيجته في تلك المادة «صفرًا» (خالد، 1421هـ: 78). اگر دانشجو در بیش‌تر از یک‌هشتم جلسات درس غیبت نماید، از شرکت در جلسه امتحانات محروم می‌گردد و نمره وی در آن درس، «صفر» منظور می‌شود. |

البته نباید از نظر دور داشت که عنصر سیاق در کاربرد برخی از این معادل‌ها - که اغلب اصطلاحاتی ترکیبی به شمار می‌آیند - مؤثر است؛ چنان که «درس» در جمله‌های فارسی «درس می‌خواند»، «درس می‌دهد»، «درس دارد»، «درس می‌گیرد»، «درس را گرفته است»، و «از درس افتاده است»، هر یک با توجه به سیاق در جمله‌های خاصی کاربرد دارد و معنی خاصی از آن اراده می‌شود. در زبان عربی نیز تعابیر «متطلب الجامعة»، «المتطلب السابق» و «المتطلب المتزامن» کاربرد دارد و نه تعابیری مترادف آنها مثل «مادة الجامعة» و یا «الساعة السابقة».

4. اشتراک لفظی اصطلاحات

«اشتراک لفظی آن است که یک لفظ بر دو معنای مختلف یا بیشتر به طور یکسان دلالت کند» اشتراک لفظی در واژگانی همچون کلمه «شیر» در فارسی و «عین» در عربی است. بحث اشتراک لفظی در حوزه اصطلاحات نیز وجود دارد.

نکته مهمی که در زمینه اشتراک لفظی در حوزه اصطلاحات آموزش عالی باید مورد توجه قرار گیرد، آن است که برای دستیابی به لفظ مورد نظر نویسنده، لزوماً می‌بایست اصطلاح را با توجه به سیاق جمله و گاه متن، معادل‌یابی نمود. به بیان دیگر، عامل سیاق در گزینش لفظی خاص از بین الفاظ ترکیبی دارای اشتراک لفظی، عامل اساسی است.

برخی از صاحب‌نظران معتقدند که «اگر وضع یک لفظ برای دو معنی جایز باشد، این امر نه تنها موجب وضوح معنی نمی‌شود، که بر ابهام آن نیز می‌افزاید» (ابن درستویه: 166). «اشتراک لفظ» به قول مولانا «دائم رهن» است. مترجم گاه حتی از سیاق عبارت هم به نتیجه قطعی در باره مقصود یک واژه اصطلاحی نمی‌رسد. به عنوان مثال اصطلاح فارسی تبار «البرنامج» گاه به معنی «رشته تحصیلی» و گاه به معنی «دوره» است:

| | |
|-------------|------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------|
| رشته تحصیلی | يكون التحويل من برنامج إلى آخر لمرة واحدة خلال المدة المحددة للحصول على الدرجة (http://graduatestudies.kau.edu.sa/content). تعبیر رشته در طول مدت تحصیل (در یک مقطع)، فقط یک بار مجاز است. |
| دوره تحصیلی | تكون علامة النجاح في كل مادة من مواد برنامج الماجستير «70%» (الروادة وآخرون، 1988م: 60). نمره قبولی در هر یک از دروس دوره تحصیلی کارشناسی ارشد «70%» (یعنی «14») است. |

اما جملاتی هم وجود دارد که به صورت قطعی مشخص نیست در آنها کدام معنای اصطلاح (رشته یا دوره و مقطع) مراد است؟
 * على الطالب الانتهاء من المواد الاستدراكية خلال السنة الدراسية الأولى من التحاقه بالبرنامج (عوض وآخرون، 2001م: 48).
 * دانشجو ملزم است دروس جبرانی را در اولین سال تحصیلی ورود به دوره / ثبت نام در رشته بگذراند.

** إذا أخفق الطالب في محور من محاور البرنامج فعليه إعادة الامتحان (الروابدة وآخرون، 1988م: 66).
 ** اگر دانشجو در هر یک از دروس دوره / رشته، نمره قبولی کسب نکند، باید دوباره امتحان دهد.
 برای روشن شدن موضوع، چند اصطلاح را - که دارای اشتراک لفظی است - آورده، معانی هر یک را در جمله‌های نمونه بررسی خواهیم کرد.

• الانسحاب:

| | |
|--------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------|---------------------------------|
| يجوز للطالب أن يتقدم بطلب انسحاب من الجامعة إلى العميد (عوض وآخرون، 2001م: 51). دانشجو می‌تواند تقاضای انصراف از تحصیل خود را به رئیس دانشکده ارائه نماید. | انصراف دادن از تحصیل در دانشگاه |
| يحق للطالب انسحاب من مادة أو أكثر خلال الأسبوعين الأولين من الفصل الدراسي (http://www.jinan.edu.lb/Tollabia/tollabia1.htm). دانشجو می‌تواند به مدت دو هفته، از آغاز ترم تحصیلی اقدام به حذف یک یا چند درس نماید. | حذف درس |
| يحق للطالب، لعذر قاهر، أن يتقدم للعميد بطلب انسحاب من جميع المواد التي سجلها في الفصل الدراسي (http://www.jinan.edu.lb/Tollabia/tollabia1.htm). دانشجو در شرایط اضطراری می‌تواند تقاضای حذف همه دروس ثبت‌نامی نیم‌سال خود را به رئیس دانشکده ارائه نماید. | حذف ترم |

• التحویل:

| | |
|-----------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------|----------------------------|
| <p>يجوز بموافقة صاحب الصلاحية قبول التحويل من خارج الجامعة حسب القواعد المعتمدة من لجنة الشؤون الطلابية (http://www.ckfu.org/vb/t62407.html). با موافقت مقام مسؤول، پذیرش تقاضای انتقال از دانشگاه‌های دیگر بر اساس قواعد جاری کمیته امور دانشجویی امکان‌پذیر است.</p> | <p>انتقال</p> |
| <p>يجوز تحويل الطلاب من تخصص إلى آخر داخل الجامعة (http://graduatestudies.kau.edu.sa/content). تغییر رشته دانشجو در دانشگاه امکان‌پذیر است.</p> | <p>تغییر رشته</p> |
| <p>الطلاب الذين أكملوا مواد في كلية أو جامعة من مكان آخر لهم الحق في <u>تحويل</u> الساعات (www.ac.ac.cy). دانشجویانی که دروسی در دانشکده یا دانشگاهی دیگر گذرانده‌اند، می‌توانند آن دروس را معادل‌سازی کنند.</p> | <p>معادل‌سازی دروس</p> |

• المستوى:

| | |
|-------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------|--------------------------------|
| <p>عدد المستويات الدراسية اللازمة للتخرج ثمانية مستويات أو أكثر (http://www.ckfu.org/vb/t62407.html). بر اساس برنامه‌ریزی مصوب هر دانشکده تعداد نیم‌سال‌های لازم برای فراغت از تحصیل 8 ترم یا بیشتر است.</p> | <p>نیم‌سال تحصیلی</p> |
| <p>لا يجوز للطالب أن يكون مسجلاً في الوقت نفسه في أكثر من تخصص في الجامعة سواء في <u>المستوى</u> نفسه أو في المستويات المختلفة (خالد، 1421: 97). دانشجو نمی‌تواند هم‌زمان در بیش از یک رشته چه در همان مقطع و چه در مقاطع تحصیلی دیگر ثبت‌نام کند.</p> | <p>مقطع</p> |
| <p><u>المستوى</u> الدراسي هو الدال على المرحلة الدراسية (http://www.ckfu.org/vb/t62407.html). «المستوى الدراسي» بیانگر ترم تحصیلی دانشجو است (تعداد ترم‌هایی است که از تحصیل دانشجو می‌گذرد).</p> | <p>مرحله تحصیلی دانشجو</p> |

• المتطلب:

| | |
|------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------|----------------|
| <p>لا يجوز للطالب أن يأخذ مادة ما ومتطلبها السابق في الفصل نفسه إلا إذا كان قد درس المتطلب السابق ولم ينجح فيه ((http://www.rwtc.edu/arabic/esf/esfacadrules.htm)). دانشجو تنها در صورت مردود شدن در <u>درس</u> پیش‌نیاز، مجاز به گذراندن همزمان درس و پیش‌نیاز آن است.</p> | درس |
| <p>التقدير غير المكتمل هو تقدير يرصد مؤقتاً لكل مقرر يتعذر على الطالب استكمال <u>متطلباته</u> في الموعد المحدد (www.paluniv.edu.ps/). نمره ناتمام نمره‌ای است که به صورت موقت برای دروسی که دانشجو تا زمان مشخص از عهده انجام تکالیف آن بر نیاید، منظور می‌شود.</p> | تکالیف درسی |
| <p><u>متطلبات</u> للحصول على درجة البكالوريوس: المادة (27): تمنح درجة البكالوريوس لطالب بعد إتمام <u>المتطلبات</u> التالية: أ) النجاح في جميع المواد المطلوبة للتخرج وفق الخطة الدراسية. ب) إتمام <u>المتطلبات</u> الأخرى التي تقتضيها الخطة الدراسية... (خالد، 1421هـ: 96). شرايط أخذ مدرک کارشناسی: ماده 27: مدرک کارشناسی به دانشجویی که شرايط زیر را دارا باشد، اعطا می‌گردد: الف) قبولی در همه دروس مورد نیاز فراغت از تحصیل مطابق با برنامه تحصیلی. ب) دارا بودن شرايط دیگری که برنامه تحصیلی ایجاب می‌کند....</p> | شرايط |

5. ناهمسانی روش‌های معادل‌یابی در زبان مبدأ و مقصد

5-1. ناهمگونی اصطلاحات وضع شده یا رواج یافته در دو زبان

دلالت وضعی اصطلاحات در دو زبان مبدأ و مقصد معمولاً هم‌ارز نیست و این خود یکی دیگر از دشواری‌های برابریابی اصطلاحات آموزش عالی است. در نتیجه این نابرابری نباید انتظار داشت که معادل هر اصطلاح عربی مورد پذیرش گویش‌وران زبان فارسی قرار گیرد و رواج یابد؛ مثلاً اصطلاح «رئیس القسم» را کمتر معادل «رئیس گروه» قرار می‌دهند بلکه معادل رایج آن «مدیر گروه» است. به دیگر سخن برای کسی که متصدی امور اداری گروه است، در عربی واژه «ریاست» و در فارسی واژه «مدیریت» را ترجیح داده‌اند. نیز اصطلاح «الساعة المكتتبية» که معادل رایج آن «زمان مشاوره و راهنمایی / ساعت حضور در دفتر» و نه «ساعت دفتری» است.

5-2. دقت عمل فرهنگستان‌های کشورهای عربی

فرهنگستان‌های کشورهای عربی در حوزه معادل‌یابی اصطلاحات آموزش عالی مانند دیگر حوزه‌های علمی عملکردی موفق داشته‌اند. واژه‌گزینی در این حوزه بیشتر واژه‌سازی و معادل‌گزینی بوده است، هر چند وام‌واژه‌هایی نیز در میان اصطلاحات به چشم می‌خورد که البته اغلب آنها نیز در فرایند تعریف، شکل و هیئت واژگان عربی را به خود گرفته است. از جمله این اصطلاحات می‌توان به سه اصطلاح «البکالوریس»، «الماجستیر»، و «الدکتوراه» اشاره کرد که به ترتیب معرب «master, bachelors» و «doctora» است.

نیز این فرهنگستان‌ها در وضع اصطلاحات، بسیار دقیق و جزئی‌نگر عمل کرده‌اند و این چیزی است که کمتر در زبان فارسی و در حوزه مورد بحث ما به آن توجه شده است. مثلاً «استاد راهنما» در زبان فارسی دو مدلول دارد با یک لفظ واحد: یکی استاد راهنما در امور تحصیلی، و دیگری استاد راهنما در مسایل مربوط به پایان‌نامه. حال آن که در کشورهای عربی دو اصطلاح مجزا وجود دارد: یکی «مرشد» به معنی استاد راهنما در امور تحصیلی، و دیگری «مشرف» به معنی «استاد راهنما» در پایان‌نامه. در نتیجه دشواری برابریابی در دو مورد زیر مربوط به این دو نگرش متفاوت جزئی‌نگر و کلی‌نگر خواهد بود:

الف) اصطلاحاتی که در زبان مقصد، مصداق آنها وجود دارد ولی اصطلاح خاصی برای آنها وضع نشده یا رواج نیافته است، مانند اصطلاحات زیر:

| اصطلاح عربی | جمله‌های نمونه عربی | مفهوم فارسی آن |
|--------------------------|----------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------|------------------------------------------------------------------|
| استاد متمرس | أعلنت وزارة التعليم العالي والبحث العلمي موافقتها على التعاقد مع المتقاعدين بدرجة <u>استاد متمرس</u> بصفة خبير أقدم وزارة آموزش عالی و تحقیقات علمی با انعقاد قرارداد تدریس با بازنشستگان با رتبه «استاد متمرس» و به عنوان کارشناس با سابقه موافقت کرد. (http://www.iraqnews-in.com) | استاد بازنشسته‌ای که برای تدریس مجدد، از وی دعوت به عمل می‌آید. |
| تعليق الدراسة | قرر مجلس عمداء جامعة البلقاء التطبيقية اليوم السبت خلال اجتماع له في مقر الجامعة برئاسة رئيسها الدكتور عمر الريموي تعليق الدراسة والدوام في الجامعة يوم غد الأحد (www.factjo.com/fullNews.aspx?id=15672). در جلسه هیئت رئیسه دانشگاه کاربردی بقاء که روز شنبه به ریاست دکتر عمر ریمووی در محل دانشگاه تشکیل گردید، کلاس‌های درس فردا یکشنبه <u>تعطیل</u> اعلام شد. | تعطیل شدن کلاس‌ها به دلیل مناسبت یا رویدادی خاص |
| الفراغ الجامعی | هي ساعات محدّده أسبوعية تكون جميع الجامعة في الفراغ أي لا محاضره فيها لجميع الطلبة (http://www.alwaha.com/vb/t18993.html). ساعات مشخص هفتگی است که در آنها، دانشگاه تعطیل است. به این معنی که در آن ساعات هیچ کلاسی تشکیل نمی‌شود. | روزها یا ساعت‌های خاصی که در آن کلاسی در دانشگاه تشکیل نمی‌شود. |
| إزالة مفعول الإنذار | على الطالب إزالة مفعول الإنذار الأكاديمي في مدة أقصاها فصلان دراسيان بعد الفصل الدراسي الذي أُنذر فيه وذلك برفع معدله التراكمي إلى «65 %» فأعلى (http://www.alaqsa.edu.ps/ar/default.asp?pageid=893). دانشجوی مشروط ملزم است حداکثر به مدت دو نیم‌سال تحصیلی از زمان مشروطیت با کسب معدل کل حداقل «65%»، از وضعیت ثبت‌نام مشروط خارج شود. | خارج شدن از مشروطیت، رفع مشروطیت |
| إزالة الوضع تحت المراقبة | يفصل الطالب من برنامج الماجستير إذا لم يتمكن من إزالة الوضع تحت المراقبة (عوض وآخرون، 2001م: 52). دانشجو در صورتی که از وضعیت ثبت‌نام مشروط خارج نشود، از ادامه تحصیل در دوره کارشناسی ارشد محروم می‌گردد. | خارج شدن از وضعیت ثبت مشروط، رفع مشروطیت |
| زوال العذر | على كل من يتغيب عن الاختبار بعذر مقبول أن يتقدم بالعذر إلى مدرس المادة خلال ثلاثة أيام من تاريخ زوال العذر، ويتوجب على مدرس المادة إجراء اختبار معوض للطالب (http://www.admicollege.com/systems.html). دانشجویانی که به عذر موجه در امتحان شرکت نکرده‌اند، ملزم‌اند ظرف سه روز از زمان برطرف شدن عذر خود، مدارک توجیهی را به استاد درس ارائه دهند و استاد درس موظف است از دانشجو امتحان مجدد بگیرد. | بر طرف شدن شرایطی که مانع حضور دانشجو در جلسه امتحان گردیده است. |

ب) اصطلاحاتی که در زبان مقصد، مصداق دارد ولی در ضمن اصطلاحی که دارای شمول معنایی بیشتری است، لحاظ می‌گردد. به عنوان مثال دو اصطلاح «عذر قهری» و «عذر مرضی» را می‌توان نام برد که معادل تقریبی آن در ایران «غیبت موجه» است. می‌بینیم که مدلول هر دو اصطلاح که یکی شامل غیبت ناشی از رویدادی ناخواسته یا غیر منتظره، و دیگری غیبت استعلاجی است، تفکیک نشده و از اصطلاح «غیبت موجه» که کلی‌تر و دارای شمول معنایی بیشتری است، استفاده می‌گردد.

6. ضرورت استفاده از قاعده افزایش و کاهش واژگانی در برابریابی اصطلاحات

در معادل‌گزینی اصطلاحات باید به این نکته توجه داشت که همچون ترجمه دیگر واژگان و تعابیر، مترجم در قید ترجمه مفرد به مفرد، و مرکب به مرکب نیست چه، گاه یک اصطلاح مفرد را باید به اصطلاح ترکیبی برگردانید و گاه بالعکس. به دیگر سخن در معادل‌یابی اصطلاحات مرکب لزومی ندارد اجزای آن ترکیب یک به یک برابریابی شود و یا لزوماً اصطلاحی مفرد، معادل یک اصطلاح مفرد قرار گیرد.

به عنوان مثال در نظام آموزشی کشورهای عربی بعضی از اصطلاحات با صفاتی همراه‌اند که در نظام آموزشی ایران کاربرد ندارد و بدین رو در برابریابی چنین اصطلاحاتی باید بر اساس قاعده کاهش واژگانی عمل نمود، مانند:

* «فصل صیفی اختیاری»: ترم تابستانی (قید «اختیاری» در تداول فارسی‌زبانان ملحوظ نیست، هر چند مفهوم آن وجود دارد.)
 ** «فصلان دراسیان اجباریان»: دو نیم‌سال تحصیلی (مفهوم «اجباری» نیز هر چند وجود دارد، اما بر زبان آورده نمی‌شود.)

به دیگر سخن در برابریابی اصطلاحات چهار حالت ممکن است پیش آید:

1. برابریابی اصطلاح مفرد به مفرد؛ مانند «الفرع» به «رشته»، یا «العلامة» به «نمره».
2. برابریابی اصطلاح مفرد به مرکب؛ مانند: «الطالب» به «دانش‌جو»، یا «الفصل» به «نیم‌سال».
3. برابریابی اصطلاح مرکب به مفرد؛ مانند: «الساعة المعتمدة» به «واحد»، یا «وضع الطالب تحت المراقبة» به «مشروطیت».
4. برابریابی اصطلاح مرکب به مرکب؛ مانند: «الطلبة الراغبین فی الإقامة فی السكن» به «دانشجوی متقاضی سکونت در خوابگاه»، یا «تحويل من تخصص إلى آخر» به «تغییر رشته».

نتیجه گیری

- تفاوت نظام‌های آموزشی کشورهای عربی با نظام آموزشی ایران از مهم‌ترین علل ایجاد دشواری در برابری اصطلاحات است. در نتیجه این ناهمگونی، اصطلاحات بسیاری دیده می‌شود که در زبان مبدأ یا مقصد، مصداق و کاربرد ندارد و اصطلاحات بسیار دیگری نیز برابری دقیق نخواهد داشت.
- در نتیجه تعدد کشورهای عربی زبان، و مستقل عمل نمودن آنها در زمینه وضع و برابری اصطلاحات، اصطلاحات مترادف بسیاری پدید آمده که عملکرد سلیقه‌ای در وضع آنها و نیز توجه به جنبه یا جنبه‌هایی از معانی آنها از دیگر علل ایجاد آن است. وجود اصطلاحات مترادف و توجه به اختلاف ظریف و دقیقی که بین آنهاست و نیز ذکر حوزه جغرافیایی کاربرد هر یک، از دغدغه‌های معجم‌نگاران است.
- وجود اشتراک لفظی در حوزه اصطلاحات آموزش عالی از دیگر عوامل دشواری در برابری آنهاست. بدون توجه به سیاق، برابری اصطلاحاتی که دارای اشتراک لفظی اند، دقیق نخواهد بود. با این وجود گاه مترجم حتی از سیاق عبارت هم به نتیجه قطعی درباره معنای مورد نظر نویسنده نمی‌رسد.
- از دیگر علل دشواری معادل‌یابی اصطلاحات، ناهمسانی روش‌های برابری در ایران و کشورهای عربی است. نابرابری در وضع اصطلاحات و دقت عمل و جزئی‌نگری فرهنگستان‌های کشورهای عربی از موارد این ناهمگونی است. وجود اصطلاحاتی عربی که در ایران با وجود داشتن مصداق، لفظ معینی برای آنها وضع نشده و نیز اصطلاحاتی که در ضمن اصطلاحات کلی دیگر و با شمول معنایی بیشتر آورده شده است، از جمله اصطلاحاتی‌اند که یا برابری ندارند و یا برابری دقیق آنها ممکن نیست.
- ناهمسانی معنایی اصطلاحات به ظاهر معادل یا به تعبیر دیگر نبود هم‌پوشی معنایی بین اصطلاح و معادل آن، و نیز ناکارآمدی التزام به طول اصطلاح و بساطت و ترکیب آن - یعنی عدم استفاده از قاعده افزایش و کاهش واژگانی در برابرگزینی - از دیگر موارد دشواری در برابری اصطلاحات است.
- فرهنگستان زبان فارسی، پژوهشگران حوزه زبان فارسی و تحولات زبانی آن، متصدیان امور آموزش عالی، و مترجمان مدارک دانشگاهی برای تسهیل کار ترجمه و تفهیم و تفهم ناگزیر به توجه به نظام‌های گوناگون آموزش عالی در کشورهای جهان‌اند. نتیجه طبیعی این توجه، واژه‌گزینی مناسب و ترویج آن در میان گویش‌وران زبان فارسی است.

• در کار معادل‌یابی چند دسته اصطلاح، ارائه شرح و تعریف - به عنوان پیش‌نیاز - پیشنهاد می‌شود: یکی اصطلاحاتی که در زبان مبدأ یا مقصد مصداق ندارد؛ دیگر اصطلاحاتی که در زبان مقصد، مصداق دارد ولی در ضمن اصطلاحی که دارای شمول معنایی بیشتری است، لحاظ می‌گردد؛ و سوم اصطلاحات به ظاهر معادل در دو زبان مبدأ و مقصد.

• اصطلاحاتی که در زبان مقصد، مصداق آنها وجود دارد ولی اصطلاح خاصی برای آنها وضع نشده یا رواج نیافته نیز باید معادل‌یابی و اصطلاح‌سازی گردد که این امر علی‌القاعده از وظایف فرهنگستان زبان و ادب فارسی است.

منابع

- آذرنوش، آذرتاش (1387). فرهنگ معاصر عربی - فارسی. تهران: نشر نی.
- الجامعة اللبنانية (2000). بیروت: الجامعة اللبنانية.
- خالد، نصر صالح (1421هـ). دليل الطالب لمرحلة البكالوريوس. الأردن: جامعة آل البيت.
- دادمزى، سيد مهدي (1377). واژه‌نامه نظام آموزش عالی کشور. قم: دبیرخانه مجمع گروه‌های معارف اسلامی.
- دليل جامعة حلب (2000-2003م). حلب: مطبعة جامعة حلب.
- الروابدة وآخرون (1998م). دليل جامعة مؤتة. الأردن: جامعة مؤتة.
- عوض عبدالعزیز وآخرون (2001م). دليل جامعة اليرموك. الأردن - إربيد: جامعة اليرموك.
- غفرانی، محمد؛ و مرتضی آیت الله‌زاده شیرازی (1383). فرهنگ اصطلاحات روز فارسی - عربی. تهران: امیر کبیر.
- قیم، عبد النبی (1387). فرهنگ معاصر عربی - فارسی. چ 7، تهران: فرهنگ معاصر.
- کریم پور، حجت الله؛ و شهلا دهقانی (1375). راهنمای دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی. تهران: وزارت فرهنگ و آموزش عالی.
- مجموعه مصوبات شورای عالی انقلاب فرهنگی (1373). اداره کل قوانین و مقررات کشور.
- مشخصات جداول رشته‌های آموزشی دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی کشور (1364). جهاد دانشگاهی.

<http://graduatestudies.kau.edu.sa/content>

<http://www.unksa.com>

<http://www.alaqsa.edu.ps/ar/default.asp?pageid=893>

<http://www.rwtc.edu/arabic/esf/esfacadrules.htm>

<http://www.uop.edu.jo/Research/documents/MasterInstructions.doc>

www.arab2.com/b/universities/arab_universities.html

<http://www.admicollege.com/systems.html>

<http://faculty.ksu.edu.sa/67974/DocLib>

<http://www.rwtc.edu/arabic/esf/esfacadrules.htm>

http://www.pass.ps/site/showpage_126_ar.html

<http://www.ckfu.org/vb/t62407.html>

<http://graduatestudies.kau.edu.sa/content>

<http://www.jinan.edu.lb/Tollabia/tollabia1.htm>

<http://www.paluniv.edu.ps>

www.rwtc.edu/arabic/esf/esfacadrules.htm

<http://www.alwaha.com/vb/t18993.html>

www.factjo.com/fullNews.aspx?id=15672

<http://www.admicollege.com/systems.html>